

پرسش ۹۱: معنای آیهی (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا)

سؤال / ۹۱: ما معنى الآية: (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) ([336])، لماذا تكرر (آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) وتكرر (واتَّقُوا)؟!

معنای این آیه چیست: (بر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در آنچه خورده‌اند گناهی نیست، هرگاه پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند و به کارهای شایسته پردازند، باز هم پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند، باز هم پرهیزگاری کنند و نیکی، که خدا نیکوکاران را دوست دارد) ([337]). چرا (آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) و (واتَّقُوا) تکرار شده است؟!

الجواب: (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا): أي ليس على الذين آمنوا بالرسول، وعملوا الصالحات: أي تمسكوا بالولاية وبخلفائه والأئمة من بعده، وهم أهل البيت (عليهم السلام)، جناح فيما طعموا: هذا هو طعام الروح وهو العلم، أي فيما أخذوا من علم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأهل بيته (عليهم السلام)، وعلمهم هو الشجرة التي نهى الله آدم (عليه السلام) عن الاقتراب منها، وفي الرواية عنهم (عليهم السلام) في قول تعالى: (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ) ([338])، أي: إلى علمه من أين يأخذه ([339]).

پاسخ: (بر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در آنچه خورده‌اند گناهی نیست): یعنی بر کسانی که به پیامبر ایمان آورده‌اند گناهی نیست، و (کارهای شایسته کرده‌اند): یعنی تابع ولایت بوده‌اند و از خلفا و جانشینان او و ائمه‌ی پس از او که اهل بیت هستند پیروی کنند (در آنچه خورده‌اند گناهی نیست): این همان غذای روح یعنی علم می‌باشد؛ یعنی در آنچه از علم پیامبر خدا و اهل بیت او فرا می‌گیرند باکی نیست، و علم آنها همان درختی است که خداوند آدم (علیه السلام) را از نزدیک شدن به آن نهی

فرمود، و در روایتی از معصومین در مورد (پس آدمی باید به طعام خود بنگرد) ([340])؛  
یعنی به (علمش) که از کجا آن را دریافت می‌کند. ([341])

**(إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ):** أي ليس عليهم جناح إذا اتقوا أي خافوا الله سبحانه وآمنوا بالعلم الذي أخذوه من الرسول محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وأهل بيته (عليهم السلام)، وأنه من شجرة علم آل محمد (عليهم السلام)، وهي شجرة في وسط الجنة، وهي الشجرة الطيبة، وهي سدرة المنتهى.

**(إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)** (هرگاه پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند و به کارهای شایسته پردازند): یعنی بر آنها باکی نیست اگر تقوا پیشه کنند یعنی از خدای سبحان بترسند و به علمی که از فرستاده‌ی خدا حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و اهل بیت ایشان (عليهم السلام) گرفته‌اند ایمان بیاورند که این علم، از درخت علم آل محمد است، و این درختی است در وسط بهشت، و این همان شجره‌ی طیبه و همان سدره المنتهى است.

**(وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ):** أي عملوا بما علموا، فالعلم كله حجة إلا ما عمل به، والإنسان إذا علم ولم يعمل بما علم ما فائدة علمه، فلو علم المؤمن أن قضاء حاجة المؤمن حسنة ولم يقض حاجة المؤمن ما فائدة علمه؟

**(وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)** (و به کارهای شایسته پردازند): یعنی به آنچه آموخته‌اند عمل کنند. علم، جملگی حجت است مگر آنچه به آن عمل شود، و انسان اگر علمی بیاموزد و به آنچه آموخته است عمل نکند، آن علم چه فایده‌ای دارد؟! اگر مؤمن بداند که رفع نیاز مؤمن حسنه و نیکویی است ولی حاجت مؤمنی را برآورده نکند، این علم چه سودی دارد؟

**(ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا):** الإنسان إذا عمل بما تعلم من علم الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) وأهل بيته (عليهم السلام) فإنه مع مداومته على العبادة والطاعة وهي العمل لا بد أن

تفتح له أبواب الغيب إذا كان مخلصاً في عمله فيرى من آيات ربه سواء بالرؤيا الصادقة، أم بالكشف والمشاهدة، أو بأي سبيل يفتحه الله سبحانه وتعالى لأوليائه المخلصين. وهذا الذي يراه المؤمن في ملكوت السموات لا بد له أن يؤمن به بعد أن يتقي ويخاف الله سبحانه ويتأني حتى يعلم تأويل ما رأى، وفي هذه الآية (ثم) التي تفيد التراخي والتأخير، أي إن فتح باب الملكوت للمؤمن لا يتحقق بمجرد العمل، بل لا بد من المداومة على العمل والطاعة بإخلاص لتفتح أبواب ملكوت السموات لأولياء الله سبحانه وتعالى.

(ثُمَّ اتَّقُوا وَآمَنُوا) (باز هم پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند): انسان اگر به آنچه از علم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) آموخته است عمل کند و بر عبادت و بندگی که همان اصل عمل می باشد مداومت نماید، قطعاً درب های غیب به روی او گشوده خواهد شد، و اگر در عملش مخلص باشد، از نشانه های پروردگارش خواهد دید، چه به وسیله ی رؤیای صادقانه یا مکاشفه و مشاهده یا هر راهی که خدای سبحان و متعال برای اولیای مخلص خود بگشاید؛ و این چیزی که مؤمن در ملکوت آسمان ها مشاهده می کند، حتماً باید به آن ایمان آورد، پس از آنکه تقوا پیشه کند و از خدای سبحان بترسد و صبوری پیشه کند تا تأویل آنچه را که دیده است، بداند. در این آیه کلمه ی (ثم) (سپس)، (به عقب انداختن) و (تأخیر) را می رساند یعنی به محض عمل کردن، دروازه ی ملکوت برای مؤمن گشوده نخواهد شد بلکه وی باید با اخلاص، بر عمل و بندگی مداومت نماید تا دروازه های ملکوت آسمان ها برای اولیای الهی گشوده گردد.

(ثُمَّ اتَّقُوا وَأَحْسِنُوا): أي خافوا الله وأحسنوا إلى المؤمنين والناس بأن يعلموهم ويعرفوهم ما رأوا في ملكوت السموات، وهذه هي مرحلة التبليغ، ولذلك لم يقل آمنوا لأنهم موقنون بما رأوا، وهم الآن في مرحلة التبليغ عن الله سبحانه.

(ثُمَّ اتَّقُوا وَأَحْسِنُوا) (باز هم پرهیزگاری کنند و نیکی): یعنی از خدا بترسند و به مؤمنان و مردم نیکی کنند به این صورت که آنها را آموزش دهند و آنچه را که در

ملکوت آسمان‌ها دیده‌اند به آنها بشناسانند، و این، همان مرحله‌ی تبلیغ است، و از همین رو فرموده است: (آمنوا) (ایمان آورند) چرا که آنها به آنچه مشاهده کرده‌اند، یقین دارند. آنها اکنون در مرحله‌ی تبلیغ از سوی خداوند سبحان می‌باشند.

**(وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ):** لَأَنَّ هَؤُلَاءِ مِثْلَهُمْ كَمِثْلِ الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام)، فهم مبلغون عن الله سبحانه وتعالى لخلقهم، يعرفونهم الحق ويهدونهم إلى الصراط المستقيم، قال أمير المؤمنين (عليه السلام) في حال هَؤُلَاءِ الْأَوْلِيَاءِ: (... يُذَكَّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَيُخَوَّفُونَ مَقَامَهُ بِمَنْزِلَةِ الْأَدَلَّةِ فِي الْفَلَوَاتِ ... فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا أَطَّلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ، وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةَ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا حَتَّى كَانَهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ (...)) [342].

**(وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)** (که خدا نیکوکاران را دوست دارد): زیرا مثل این افراد مثل انبیا است، که آنها تبلیغ کننده از جانب خداوند سبحان و متعال برای خلقش می‌باشند؛ حق را به آنها می‌شناسانند و به صراط مستقیم هدایت‌شان می‌کنند. امیر المؤمنین (عليه السلام) در شرح حال این اولیا می‌فرماید: (... يُذَكَّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَيُخَوَّفُونَ مَقَامَهُ بِمَنْزِلَةِ الْأَدَلَّةِ فِي الْفَلَوَاتِ ... فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا أَطَّلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةَ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا حَتَّى كَانَهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ (...)) [343].

روزهای خدای را به یاد می‌آورند و مردم را از جلال و بزرگی خدا می‌ترسانند. آنان نشانه‌های روشن خدا در بیابان‌هایند... با اینکه در دنیا زندگی می‌کنند گویا آن را رها کرده، به آخرت پیوسته‌اند، سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامت‌شان آگاهی دارند، و گویا قیامت، وعده‌های خود را برای آنان تحقق بخشیده است. آنان پرده‌ها را برای مردم دنیا برداشته‌اند، تا آنجا که می‌بینند آنچه را که مردم نمی‌نگرند، و می‌شنوند آنچه را که مردم نمی‌شنوند...).



[336] - المائدة : 93.

[337] - مائده: 93.

[338] - عبس : 24.

[339] - عن زيد الشحام، عن أبي جعفر (عليه السلام) في قول الله عز وجل: " فليُنظِرِ الْإِنْسَانَ إِلَىٰ طَعَامِهِ " قال: قلت ما طعامه؟ قال: (علمه الذي يأخذه، عمن يأخذه) الكافي: ج 1 ص 49 - 50 ح 8.

[340] - عبس : 24.

[341] - از زيد بن شحام از ابو جعفر (عليه السلام) درباره‌ی این سخن خداوند عزوجل (فَلْيُنْظِرِ الْإِنْسَانَ إِلَىٰ طَعَامِهِ)

(پس آدمی باید به طعام خود بنگرد) روایت شده است: عرض کردم: طعام او چیست؟ فرمود: «علمی که به دست می‌آورد را از چه کسی برمی‌گیرد». کافی: ج 1 ص 49 و 50 - ح 8.

[342] - نهج البلاغة : ص 212 / الخطبة 222.

[343] - نهج البلاغه: ص 212 خطبه 222.